



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب الأَطعمة و الأَشربة

درس ۱۵

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

در درس قبل گفتیم ادله حلیت حیوانات خشکی دلالت بر حصر ندارند و چنانچه سایر حیوانات خشکی، مشمول یکی از عناوین تحریم شده نباشند باید طبق اصله الحل حکم به حلیت آن کرد. با توجه به این مطلب، اهمیت شناخت عناوین تحریم شده حیوانات خشکی روشن می شود. عنوان اول نجس العین و عنوان دوم درنده بودن حیوان خشکی بود که در درس امروز همین بحث را پی می گیریم.

## متن درس

و هو وجيه لو لا موثقة سماعة: «سألت ابا عبد الله (عليه السلام) عن المأكول من الطير و الوحش فقال: حرم رسول الله (صلى الله عليه و آله) كل ذى مخلب من الطير و كل ذى ناب من الوحش. فقلت: ان الناس يقولون: من السبع. فقال لى: يا سماعة السبع كله حرام و ان كان سبعا لا ناب له و انما قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) هذا تفضلا الى ان قال: و كل ما صف و هو ذو مخلب فهو حرام»<sup>١</sup> الدالة على حرمة مطلق السبع. ثم انه ورد فى بعض الروايات ما يدل على عدم حرمة السبع، من قبيل صحيحة محمد بن مسلم عن ابي جعفر (عليه السلام): «سئل عن سباع الطير و الوحش ... فقال: ليس الحرام الا ما حرم الله فى كتابه ...»<sup>٢</sup> و غيرها، الا انها ساقطة عن الحجية لهجران مضمونها بين الاصحاب.

ج- المسوخ، كالقردة و الخنازير و ... و لا خلاف فى تحريمها. و تدل على ذلك صحيحة الحلبي عن ابي عبد الله (عليه السلام): «سألته عن اكل الضب فقال: ان الضب و الفأرة و القردة و الخنازير مسوخ»<sup>٣</sup>، و موثقة سماعة عن ابي عبد الله (عليه السلام): «حرم الله و رسوله المسوخ جميعها»<sup>٤</sup> و غيرهما.

د- الحشرات. و هى كل حيوان يأوى ثقب الارض، كالحية و العقرب و الجرذ و الفأرة و ... و لم يعرف خلاف فى حرمتها، الا انه لا دليل على ذلك سوى رواية دعائم الإسلام عن امير المؤمنين (عليه السلام): «انه نهى عن الضب و القنفذ و غيره من حشرات الارض»<sup>٥</sup>. و تمامية الحكم المذكور تتوقف على احد الامور التالية:

الاول: ان الرواية و ان كانت ضعيف السند - باعتبار انها مرسلة بل هذا هو الطابع العام على روايات دعائم الإسلام - الا انها تعود حجة بناء على تمامية كبرى انجبار الرواية الضعيفة بفتوى المشهور على وفقها.

الثانى: البناء على حجية الشهرة الفتوائية كمدرک لإثبات الحكم الشرعى كما هو رأى المشهور بعدا لالتفات الى ان حرمة الحشرات امر مشهور لو لم تكن مجمعا عليها.

الثالث: ان الحكم بحرمة الحشرات اجماعى - على ما قيل - و الاجماع حجة بالرغم من كونه محتمل المدرك، بتقريب ان المجمعين اما ان يكونوا قد استندوا الى رواية الدعائم، و هذا يدل على حقانية مضمونها، او لم يستندوا اليها، و هذا يعنى ان الاجماع تعبدى و قد وصل الحكم المجمع عليه يدا بيد من المعصوم (عليه السلام).

١ . وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٣٨٨، الباب ٣ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٣.

٢ . وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٣٩٤، الباب ٥ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٦.

٣ . وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٣٧٩، الباب ٢ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١.

٤ . وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٣٨٠، الباب ٢ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٣.

٥ . مستدرک وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٧٠.

## حرمت مطلق درندگان

در درس گذشته گفتیم که نمی‌توان حیوانات حلال گوشت خشکی را منحصر به موارد ذکر شده در روایات دانست؛ زیرا دلیلی بر حصر نداریم. در نتیجه، در سایر حیوانات بنا بر اصله الحل باید قائل به حرمت باشیم. ولی این حکم یک شرط دارد، و آن همان گونه که در درس قبل گفتیم این است که عنوانی از عناوین تحریم شده بر آن حیوان منطبق نباشد. در آن صورت حیوان، حرام گوشت خواهد بود. یکی از عناوین تحریم شده حیوانات، درنده بودن حیوان است (سباع).

همان‌طور که گفتیم، درباره سباع دو روایت وارد شده که یکی دلالت بر حرمت درندگان دارای نیش و دومی دلالت بر حرمت درندگان بطور مطلق دارد. گفتیم اگر از مقید مفهوم‌گیری نماییم می‌توانیم مطلق را بر مقید حمل نماییم اما مصنف عقید دارد که این جمع تمام نیست. زیرا روایتی از سماعه وجود دارد که مانع حمل مطلق بر مقید در این بحث می‌شود. از روایت سماعه<sup>۱</sup> استفاده می‌شود که هر حیوان درنده‌ای حرام گوشت است.

## روایات دال بر عدم حرمت سباع

در مقابل روایات حرمت، روایات دیگری نیز موجود می‌باشد که دلالت بر عدم حرمت درندگان دارد؛ مانند صحیح محمد بن مسلم از ابی جعفر (علیه السلام) که در آن از حیوانات و پرندگان درنده سوال می‌شود، امام می‌فرماید: «حرام آن چیزی است که در کتاب خدا حرام شده باشد».

از این روایت استفاده می‌شود که حیوانات درنده حرام نیستند. اما همان‌طور که مصنف قبلاً ذکر کرد روایاتی که مورد اعراض اصحاب باشد از حجیت ساقط است و با ساقط شدن حجیت این دسته از روایات، دیگر نمی‌توان آنها را معارض روایاتی دانست که دلالت بر حرمت حیوانات درنده دارد. پس بحث تعارض و ترجیحات پیش نمی‌آید.

## تطبیق

و هو وجیه لو لا موثقة سماعه: «سألت ابا عبد الله (عليه السلام) عن المأكول من الطير و الوحش فقال: حرم رسول الله (صلى الله عليه و آله) كل ذی مخلب من الطير و كل ذی ناب من الوحش».

این وجه جمع خوب است اگر موثقه سماعه در کار نبود؛ از امام صادق (علیه السلام) درباره پرندگان و حیوانات وحشی خوردنی پرسیدم، امام فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هر صاحب چنگالی از پرندگان و هر صاحب نیشی از حیوانات وحشی را حرام کرد».

<sup>۱</sup> . سماعه بن مهران، کنیه او ابی محمد است و نجاشی و دیگران او را توثیق کرده‌اند.

فقلت: ان الناس يقولون: من السبع. فقال لي: يا سماعة السبع كله حرام و ان كان سبعا لا ناب له و انما قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) هذا تفضلا<sup>١</sup> الى ان قال: و كل ما صف و هو ذو مخلب فهو حرام<sup>٢</sup>

گفتم: مردم می گویند: از درندگان، امام فرمود: ای سماعه، درندگان همگی حرام هستند، هرچند درنده ای بدون دندان نیش باشد، رسول خدا (صلى الله عليه و آله) این قاعده را از باب تفضل<sup>٣</sup> فرمود. در دنباله کلام امام فرمود: هر پرنده ای که صاف نگاه داشتن بالش در هنگام پرواز بیشتر از بال زدش است که همان پرنده پرندگان چنگال دار است، حرام است.»

الدالة على حرمة مطلق السبع.

این روایت بر حرمت مطلق درندگان دلالت دارد.

ثم انه ورد في بعض الروايات ما يدل على عدم حرمة السبع،

در برخی از روایات مطلبی است که بر عدم حرمت درندگان دلالت دارد.

من قبيل صحيحة محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام: «سئل عن سباع الطير و الوحش ... فقال: ليس الحرام الا ما حرم الله في كتابه...»<sup>٤</sup>

مانند صحیح محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام): از ایشان درباره پرندگان درنده و نیز حیوانات وحشی درنده سؤال شد، ... امام فرمود: «حرام فقط آن چیزی است که خداوند در کتابش حرام کرده است».

و غيرها، الا انها ساقطة عن الحجية لهجران مضمونها بين الاصحاب.

و غیر این روایت، نیز دال بر حلیت سباع است، لکن این روایات از حجیت ساقط است؛ زیرا اصحاب از فتوا دادن به مضمون آن اعراض کرده اند.

خلافی در تحریم درندگان نیست

صحیح داود بن فرقد ← حرمت درندگان نیش دار

صحیح حلبی ← حرمت مطلق درندگان

موثق سماعه ← حرمت همه درندگان

دلیل ← روایات دال بر حرمت سباع

دومین عنوان تحریم شده

از حیوانات خشکی ← سباع (درندگان) ←

روایات مخالف ← صحیح محمد بن مسلم ← دال بر عدم حرمت سباع ← از حجیت ساقط است زیرا مورد اعراض اصحاب واقع شده است.

١ . الظاهر انه غلط مطبعی فان الحديث قد استقصينا في موارد ذكره فكان بدل تفضلا ، تفصيلا و قال المجلسي في بيانه : لعل المعنى أن الناس يقولون : إن كل ذي ناب من السبع حرام، فأجاب (عليه السلام) بأن السبع كله حرام، و بين الرسول (صلى الله عليه و آله) كل المحرمات تفصيلا، و ما ذكرناه بعض ذلك التفصيل، و حرم المسوخ أيضا و إن لم يكن سبعا و لا ذا ناب، أو المعنى أن هذا أحد التفاصيل، و القواعد التي بينها رسول الله (صلى الله عليه و آله) لبيان تحريم المحرمات. (مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ٢٢، ص ٣٦)

٢ . وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٣٨٨، الباب ٣ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٣.

٣ . بنابر آنچه گفتیم معنای حدیث این است که رسول خدا مواردی از حیوانات که حرام است را به طور مفصل بیان کرده است.

٤ . وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٣٩٤، الباب ٥ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٦.

## امر اول: استدلال به روایت دعائم

### توضیح

صغری: با این که روایت ضعف سندی دارد ولی مشهور به مضمون آن عمل کرده‌اند.  
کبری: هر روایتی که مشهور به مضمونش عمل کرده‌اند، ضعف سندی‌اش جبران می‌شود و حجت می‌شود.  
نتیجه: روایت دعائم حجت است و قابل استناد. پس حشرات حرام هستند.

## امر دوم: استدلال به شهرت فتوایی

### توضیح

صغری: حرمت حشرات شهرت فتوایی دارد.<sup>۱</sup>  
کبری: شهرت فتوایی حجت است.<sup>۲</sup>  
نتیجه: حشرات حرام هستند.

## امر سوم: استدلال به اجماع در مسأله

### توضیح

صغری: حرمت حشرات اجماعی است.  
کبری: اجماع حجت است.  
نتیجه: حرمت حشرات ثابت است.

اشکال: با توجه به وجود روایت دعائم الاسلام، اجماع مذکور مدرکی یا محتمل المدرک است . و چنین اجماعی حجیت ندارد. پس حرمت حشرات ثابت نمی‌شود.

پاسخ: اجماع مذکور حجت است؛ زیرا اگر مجمعی به روایت تمسک کرده‌اند، پس حقانیت روایت ثابت می‌شود و روایت حجت است . و اگر مجمعی به روایت تمسک نکرده‌اند پس اجماع مذکور تعبدی است (نه مدرکی) و حجت است.

## ۳. مسوخ

سومین عنوان از عناوینی که موجب حرمت گوشت حیوان می‌باشد، این است که حیوان از «مسخ»<sup>۳</sup> باشد ؛ مانند میمون، خوک، سوسمار، موش، خرس و فیل. روایات این باب دلالت بر آن دارد که حیوانات مسخ شده حرام است. از جمله صحیح‌ه حلبی است که از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است؛ در این روایت در مورد خوردن

۱. اگر حرمت حشرات را اجماعی ندانیم ، دست کم شهرت فتوایی دارد.

۲. نظر مشهور علما این است که شهرت فتوایی حجت است و مدرک حکم شرعی می‌باشد.

۳. مسوخ، حیواناتی هستند که خداوند بعضی از انسانهای گناهکار را به شکل آن حیوانات مسخ کرده است، مثل میمون و خوک . رک: مرأة العقول مجلسی، ج ۴، ص ۷۹.

سوسمار از امام سوال می شود و امام می فرماید: سوسمار و موش و بوزینه و خوک از مسوخ هستند» روایت دیگر موثق سماعه است که در آن از امام نقل می کند که: «خداوند و رسول او همه مسوخ را حرام کرده اند».

#### ۴. حشرات

عنوان چهارم از حیوانات خشکی که ادله خاص بر حرمت آن دلالت دارد «حشرات» است. حشرات به حیواناتی گفته می شود که زمین را سوراخ کرده و در آن لانه می سازند؛ مانند مار و عقرب و... در حرمت حشرات اختلافی وجود ندارد، اما دلیلی هم بر حرمت آنها جز روایت دعائم الاسلام<sup>۱</sup> که از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل شده موجود نیست. روایت دعائم الاسلام ضعیف السند است و نمی توان به آن استناد کرد، ولی با یکی از طرق زیر می توان حرمت حشرات را ثابت کرد:

#### تطبیق

ج- المَسُوخ، كَالْقُرْدَةِ وَ الْخَنَازِيرِ وَ ... وَ لَا خِلَافَ فِي تَحْرِيمِهَا. وَ تَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ صَحِيحَةُ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «سَأَلْتُهُ عَنْ أَكْلِ الضَّبِّ وَ الْفَأْرَةِ وَ الْقُرْدَةِ وَ الْخَنَازِيرِ مَسُوخٌ»<sup>۲</sup>.

حیوانات موسوم به مسوخ، مانند بوزینه و خوک و ... که بدون هیچ اختلافی در مسئله حرام هستند. روایاتی که دلالت بر حرمت مسوخ دارند عبارتند از صحیح حلی که از امام صادق (علیه السلام) درباره خوردن سوسمار پرسید، امام فرمود: «سوسمار، موش، بوزینه و خوک از مسوخ هستند»

و موثقة سماعة عن أبي عبد الله (عليه السلام): «حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ الْمَسُوخَ جَمِيعَهَا»<sup>۳</sup> و غیرها. و نیز موثق سماعه از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) همه مسوخ را حرام کرده اند». غیر این دو روایت نیز بر مطلب دلالت دارد.

د- الحشرات. و هي كل حيوان يأوى ثقبوب الارض، كالحية والعقرب والجُرْدُ<sup>۴</sup> و الْفَأْرَةُ وَ ... و لم يعرف خلاف في حرمتها، الا انه لا دليل على ذلك سوى رواية دعائم الإسلام عن امير المؤمنين (عليه السلام): «انه نهى عن الضب<sup>۵</sup> و القنفذ<sup>۶</sup> و غيره من حشرات الارض»<sup>۷</sup>.

چهارمین عنوان حرام، حشرات است و عبارت است از هر جنبه ای که در سوراخ های زمین منزل می گزید؛ مانند مار، عقرب، موش صحرائی و موش. در حرمت این دسته از جانداران اختلافی دیده نشد، اما دلیلی غیر از روایت

۱. کتاب دعائم الاسلام نوشته قاضی نعمان مصری است. در مورد قاضی نعمان اختلاف وجود دارد، بعضی او را شیعه و بعضی دیگر او را اسماعیلی، پیرو اسماعیل فرزند امام صادق (علیه السلام) می دانند. روایات دعائم الاسلام مرسل است، یعنی سند روایات آن حذف شده است.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۷۹، الباب ۲ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ۱.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۸۰، الباب ۲ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ۳.

۴. موش صحرائی.

۵. سوسمار.

۶. خارپشت.

۷. مستدرک وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۷۰.

دعائم الاسلام بر حرمت آن وجود ندارد. این روایت بیانگر نهی امیر مؤمنان (علیه السلام) از سوسمار و خارپشت و غیر آن از حشرات زمین است.

و تمامیه الحکم المذکور تتوقف علی احد الامور التالية:

تمام بودن حکم فوق مبتنی بر پذیرفتن یکی از سه امر زیر است:

الاول: ان الرواية و ان كانت ضعيفة السند - باعتبار انها مرسله بل هذا هو الطابع العام علی روایات دعائم الإسلام - الا انها تعود حجة بناء علی تمامية كبرى انجبار الرواية الضعيفة بفتوى المشهور علی وفقها.

اول: هرچند روایات کتاب دعائم الاسلام و از جمله آنها این روایت مرسل و ضعیف السند است، اما به سبب عمل مشهور و فوقای آنها به مضمون آن حجت می شود، اگر کبرای «انجبار ضعف سند به عمل مشهور» را بپذیریم. الثاني: البناء علی حجة الشهرة الفتوائية كمدرک لإثبات الحکم الشرعی كما هو رأى المشهور بعد الالتفات الى ان حرمة الحشرات امر مشهور لو لم تكن مجمعا عليها.

دوم: حجیت شهرت فتوائیه به عنوان مدرک اثبات حکم شرعی پذیرفته شود، (که اعتقاد مشهور علما هم همین است). فتوای به حرمت حشرات اگر اجماعی نباشد لا اقل مشهور است.

الثالث: ان الحکم بحرمة الحشرات اجماعی - علی ما قبل - و الاجماع حجة بالرغم من كونه محتمل المدرک، بتقريب ان المجمعين اما ان يكونوا قد استندوا الى رواية الدعائم، و هذا يدل علی حقانية مضمونها، او لم يستندوا اليها، سوم: حکم به حرمت حشرات طبق ادعایی که شده، اجماعی است و این اجماع حجت است، هرچند محتمل است مدرکی باشد؛ زیرا یا مجمعی به روایت دعائم الاسلام تمسک کرده و این فتوا را داده اند، پس عملشان بر صحیح بودن مضمون روایت گواهی می دهد، یا اینکه به این روایت استناد نکرده اند.

و هذا یعنی ان الاجماع تعبدی و قد وصل الحکم المجمع علیه یدا بيد من المعصوم (علیه السلام).

و این بیانگر تعبدی بودن اجماع است؛ یعنی حکمی که بر آن اجماع شده دست به دست از معصوم به آنان رسیده است.

حیوانهایی که خداوند بعضی انسانها را به شکل آنها مسخ کرده است مثل میمون و خوک و ... .

این حیوانها بی هیچ خلاقی حرام هستند.

صحيحه حلبی

مؤثقه سماعه

روایات دیگر

دلیل بر حرمت مسوخ

سومین عنوان حرام از

حیوانات خشکی: مسوخ



حیواناتی که در سوراخهای زمین لانه می‌گزینند؛ مانند مار، عقرب، موش صحرایی، موش و ... در حرمت این نوع جانداران، اختلافی دیده نشده.

دلیل بر حرمت این حیوانات ← فقط روایات دعائم الاسلام از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نکته: روایت دعائم مرسل و غیر قابل استناد است. اما با یکی از سه استدلال زیر می‌توان حرمت را ثابت کرد:

الف) عمل مشهور، جابر ضعف سندی روایت است.

ب) حرمت حشرات مشهور است و شهرت فتوایی حجت است.

ج) حرمت حشرات اجماعی است و اجماع در اینجا حجت است.

چهارمین عنوان حرام  
از حیوانات خشکی: حشرات

Sco۲:۲۹:۴۰

## چکیده

۱. صحیح‌ه داود بن فرقد که بر حرمت درندگان نیش‌دار دلالت می‌کند نمی‌تواند صحیح‌ه حلبی را که بر حرمت مطلق درندگان دلالت دارد مقید کند؛ زیرا موثق‌ه سماعه بر حرمت همه درندگان حتی درندگان بدون نیش تصریح دارد.
۲. روایاتی که دلالت بر حرمت سباع دارد با اعراض اصحاب از حجیت ساقط است.
۳. گوشت مسوخ بی‌هیچ خلافی حرام است، و روایاتی بر آن دلالت می‌کند مانند صحیح‌ه حلبی و موثق‌ه سماعه.
۴. در حرمت خوردن حشرات خلافی وجود ندارد.
۵. مستند حرمت حشرات فقط روایت دعائم الاسلام است که سند قابل قبولی ندارد.
۶. تمامیت حکم حرمت حشرات متوقف بر یکی از سه امر است :  
الف) پذیرفتن انجبار ضعف سند با عمل مشهور  
ب) پذیرفتن حجیت شهرت فتوایی  
ج) پذیرفتن استدلال به اجماع در این مسأله به یکی از دو تقریب زیر:  
۱. اجماع کنندگان، به‌استناد روایت دعائم فتوا داده‌اند پس روایت دعائم حجیت می‌یابد.  
۲. اجماع کنندگان، بدون استناد به روایت دعائم فتوا داده‌اند پس اجماع آنها تعبدی بوده و حجت است.